

دنیای تشبیهات در قصاید عرفی شیرازی

اشفاق احمد*

چکیده:

اگرچه عرفی شیرزادی غزلهای دلنشینی در قصیده سرایی نیز تاب و توان هنری دیده می شود و در اینجا محور ادبی تحقیق تشبیهات قصائد عرفی است. قصیده يك صنف سخن شعر فارسی است که مشتمل بر ۱۵ تا ۷۰ و گاهی تا ۸۰ بیت می باشد.

موضوع قصائد مدح شاهان و بزرگان و گاه گاه پند و اندرز بوده - در دوره گورکانیان از شاعران ایزانی و پارسی زنان به هند مهاجرت کردند- قصیده سرایان معروف این دوره سنائی، عرفی، طالب آملی، نظیری می باشند. در این مقاله درباره تشبیهات در قصائد عرفی شیرزای بررسی می نمایم.

واژه های کلیدی: عرفی شیرازی، قصاید، تشبیهات، شبه قاره

*دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب، لاهور

"تشبیه در لغت به معنی چیزی را به چیزی دیگر مانند کردن و در اصطلاح یعنی مقایسه و کشف و یاد آوری شباهت یا شباهت های بین دو چیز یا دو امر متفاوت، این کشف حاصل دقت و ذوق و قریحه شاعر یا نویسنده است۔"

(میر صادقی، میمنت، ص ۶۶).

تشبیه در بهار عجم "مانند کردن چیزی را به چیزی، و با لفظ کردن مستعمل" ملا نصیرای همدانی در دیباچه بیاض نوشته:

تشبیه توان کرد به صحن چمنش لیکن چون نظر کنی درینجا سخن است

(بهار عجم، ص ۵۱۷)

در فرهنگ معین فارسی "چیزی را به چیز دیگر مانند کردن، شبیه کردن، مانند کردن۔ (فرهنگ فارسی معین، ص ۲۹۱)

تشبیهات عرفی شیرازی خیلی ساده و عام فهم هستند۔ چون مقصد شعرا و ابلاغ فکر و تعلیم تصوف و عرفان بود بدین علت از تشبیهات ادق احتراز کرد۔ می گوید:

فلک چو روی من از زخم دست نیل اندود ز اشک دیده بود قطره قطره سیماب

(عرفی؛ ص ۳۷) (الف)

به سر قصیده همی چون عروس بنشانم گزافهای حلی بسته را به حجله باد

(عرفی؛ ص ۹۲) (الف)

عرفی شیرازی از میان عناصر خیالی بیشتر به تشبیه گرایش نشان می دهد۔ مانند

شعراي معروف مشب زلف را هم به کار برده است۔ می گوید:

بسان رنگ زلیخا و زلف مشکینش بروی هم شکنند شیوه های طراری

(عرفی؛ ص ۱۶۲)

از رغبت دنیا، الم آشوب نگردم زین باد پریشان نکم زلف علم را

(عرفی؛ ص ۸)

در راه عشق در هجر و فراق محبوب سوختن و تپیدن هم یکی از موضوعات مهم ترین شعر فارسی است. در شعر عرفی شیرازی ذکر سوختن را به تشبیه ذیل آمده است:

چو برق عزم تو بر چرخ پر تو اندازد بدست مهر بسوزد عنان سیاری
(عرفی؛ ص ۱۶۲)

ز فیض گلشن روی تو چون شود آگاه که سوزد آتش حسن تو بال مرغ نگاه
(عرفی؛ ص ۱۲۹)

عرفی شیرازی صفات احساسات و عواطف انسانی را به زبان تشبیهات ساده و رنگین بیان می نماید. وقتی درباره زیبایی محبوب صحبت می کند او را مانند ماه و آفتاب قرار می دهد.

شعاع دیده آن کس که روی خصم تو دید کند بآینه آفتاب زنگاری
(عرفی؛ ص ۱۶۲)

دمدم چون ماه نو نور رخس افزون شود هر که پیشانی نهد بر آستان آفتاب
(عرفی؛ ص ۴۳) (الف)

گیسوش نور بار چون مریم ابروش چون هلال چشمک زن
(عرفی؛ ص ۳۲۱) (الف)

در کلام عرفی شیرازی عاطف عشق و محبت و بیان زیبایی محبوب ویژگی مهمی دارد. و در بیان زیبای محبوب تشبیه گل هم خیلی مهم است. می گوید:

نو بهار آمد که افشانند چو حسن یار گل چون وصال یار ریزد بر خس و بر خار گل
(عرفی؛ ص ۲۱۴) (الف)

می کنند از گلشن خلقت عروسان بهشت سنبل اندر جیب زلف و گل بدامان نقاب
(عرفی؛ ص ۱۳)

عرفی شیرازی مانند هر شاعر بزرگ در بیان زیبایی محبوب تشبیهات فراوانی را در شعرش جای داده است۔ می گوید:

جمال صدر نشینان ز نورِ چهره او چو انجم از اثر شاه اختران مستور
(عرفی؛ ص ۱۰۷) (الف)

بکام شاهد معنی درون چو لذت حسن بچشم عاشق صورت عیان چو رنگ جمال
(عرفی؛ ص ۲۳۷) (الف)

محبت و مهر و درد و غم عاطفه هاییست که بدون ذکر این احساس و عاطفه شعر هیچ شاعر تکمیل نمی یابد۔ این عاطفه توجه هر سخنور را به خود جلب نموده است۔ عرفی شیرازی این عاطفه را به تشبیه داغ لاله چنین بیان کرده است:

جام یاقوت و می لعل بهم بالاید اثر نامید چون لاله و داغش به مثل
(عرفی؛ ص ۲۲۳) (الف)

تشبیهات عرفی شیرازی در شعر تصوف و عرفان منفرد و زیبا هستند۔ می گوید:

بدام اندر کشیدند اهل معنی طایر دولت تو در زیر درختان همچو طفلان آشیان بینی
(عرفی؛ ص ۱۵۳)

چه عذرهای موجه نهی معاصی را بچش لعاب دهانت که قند میخایی
(عرفی؛ ص ۱۶۶)

تشبیه عرفی شیرازی ساده و نزدیک به طبیعت است۔ او در شعر حقیقت پسندی را دوست دارد بنا بر این اغلب تشبیهات وی رنگ محلی نیز می یابند و شعروى را تازگی می بخشند۔

تو سر نادیده ای بر شعله می نازی چو خاکستر
بینی حسن خاکستر چو در روشن گران بینی

(عرفی؛ ص ۱۵۳)

خشك و ترم در دهان داس سپهر است كشت خود از خود درودمی چه غمستی

(عرفی؛ ص ۱۶۹)

عرفی شیرازی در تشبیهات وی از شیوه زیبا و سخنی خاص استفاده نموده

است ولی درین مورد هیچ جا سبك وی متكلف و مصنوع نمی گردد.

گر طلبیدی مرا که پیش دماغش نافه معنی گشودمی چه غمستی

(عرفی؛ ص ۱۶۹)

مبصران همه تن چشم در حریم وصال تو جمله دست و شکم پیش من و سلوایی

(عرفی؛ ص ۱۶۶)

عرفی شیرازی در بعضی جاها تشبیهات چنان نادر و لطیف آورده است که

خواننده را مسحور می سازد و در جهان شعری را به جای و پایه عالی می رساند.

سپیده موی شدی ای عروس طبع و هنوز بطالع من بدر و ز فتنه میزایی

(عرفی؛ ص ۱۶۶)

بیاد روی تو چون آه جان گداز کشم بصورت تو سزد گر بر آید آتش آه

(عرفی؛ ص ۱۲۹)

در شعر عرفی شیرازی تشبیهات زیبا و منفرد به چشم می خورند. او بیشتر

تشبیهات را در مورد عشق و مضامین عشق به کار برده است. این شیوه عرفی

شیرازی است که تشبیهات تازه و متنوع آورده است.

برنج خصمت اگر بلهوس در آمیزد چو پیر عشق شود ناله هوس کاری

(عرفی؛ ص ۱۶۲)

در کلام عرفی شیرازی از انواع تشبیه، تشبیه بلیغ بیشتر به چشم می خورد.

بعضی تشبیهات تخلیق خاص هنر خود اوست. در ذیل برخی نمونه های تشبیه بلیغ

در کلام عرفی شیرازی آورده است:

ناخن قدرت او پرده تحقیق شگاف خامه دولت او چهره توفیق گشای

(عرفی؛ ص ۱۵۷)

دیده عقل شود خیره ز آینه وهم گر شود صیقل اندیشه او زنگ زدای

(عرفی؛ ص ۱۵۷)

دانش ادبی عرفی شیرازی نیز جای خود دارد. کمتر هنرمندی قواعد و

مباحث پیچا پیچ را این قدر طبیعی و نا محسوس و شیرین و شیوا در شعر خود خرج کرده است. گلهای معانی اش همیشه تازه و جاودان است.

بدست دل بگشا قفل معنی از در جان هر آن دری که بود بسته غیر از این مگشای

(عرفی؛ ص ۱۶۴)

گوشه ای گرو جگر میخور و تلخی میکش تا بعهدیکه شود صاحب تو ملک آرای

(عرفی؛ ص ۱۵۶)

کتاب شناسی و منابع:

- بهار، لاله تیک چند؛ (بی تا)، بهار عجم، جلد اول، تهران.
- دکتر معین، محمد؛ (۱۳۵۱ ش) فرهنگ فارسی، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- عرفی شیرازی؛ (بی تا)، کلیات عرفی شیرازی، بکوشش: جواهری و جدی، کتابخانه سنایی، تهران.
- عرفی شیرازی؛ (بی تا)، دیوان عرفی شیرازی، بکوشش: جواهری و جدی، کتابخانه سنایی، تهران. (الف)
- میر صادقی، میمنت؛ (۱۳۷۳ ه)، واژه نامه هنر شاعری، کتاب مهناز، تهران